

| | |
|---|--|
| اندیشه تقریب سال چهاردهم شماره دوم ، تابستان ۱۳۹۷ پیاپی ۳۷ ص ۹-۳۲ | Andishe-e-Taqrib.37 Vo1.14.No.2.Summer 2018 P 9-32 |
|---|--|

بررسی راهبرد فلسطین از نهر تا بحر

سیدامیر سخاوتیان^۱

چکیده

رژیم صهیونیستی با حمایت قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا سعی در تحقق اهداف خویش در فلسطین اشغالی دارد. در برابر این اشغالگری راهبردهای مختلفی ارائه شده است که راهبرد «از نهر تا بحر» یکی از آنهاست که رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران آن را ارائه کرده‌اند. این راهبرد همه سرزمین‌های اشغالی بین رود اردن تا سواحل غربی دریای مدیترانه و از بلندی‌های جولان تا صحرای سینا را در بر می‌گیرد. این راهبرد را می‌توان به این علت که خنثی‌کننده توطئه‌های رژیم غاصب صهیونیستی است، دارای اهمیتی ویژه دانست؛ زیرا بر اساس این راهبرد، تصاحب اراضی فلسطین توسط رژیم صهیونیستی به چالش کشیده شده و نامشروع معرفی می‌گردد. هدف از این نوشتار تحلیل ابعاد سیاسی و جغرافیایی راهبرد مذکور است.

واژگان کلیدی: فلسطین، امام خامنه‌ای، نهر تا بحر، صهیونیسم، نیل تا فرات.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تقریبی، (sekhavatian@yahoo.com)

در اوایل قرن بیستم دولت‌های استعمارگر از جمله دولت انگلیس بی‌توجه به رضایت مردم بومی فلسطین به اشغال و تصرف این سرزمین روی آوردند. از آن زمان تا کنون این موضوع میان فلسطینیان و غاصبان به موضوعی بحرانی و تأثیرگذار در تعامل بین اسلام و غرب تبدیل شده است. در نیم‌قرن گذشته مجموعه تمدنی غرب تمام ظرفیت‌های خود را جهت مشروعیت‌بخشی به حضور اسرائیل در منطقه استراتژیک غرب آسیا به کار گرفته است؛ اما اکنون انتفاضه مردم مسلمان فلسطین این هدف را بیش از گذشته از دسترس آن خارج کرده است. بررسی مستند تاریخی از سابقه حضور و سکونت اقوام مختلف در فلسطین حاکی از آن است که اجداد و اعقاب مردم مسلمانی که امروزه حرکت انتفاضه را ادامه می‌دهند، قدیمی‌ترین و نخستین ساکنان این سرزمین بوده‌اند که در طول تاریخ، با وجود تحولات گسترده، در جای‌جای این سرزمین توطن داشته‌اند و صاحبان اصلی آن بوده‌اند.

راهبرد از نهر تا بحر

قضیه فلسطین از ابعاد و زوایای گوناگون قابل تحقیق و تفحص است و وخیم‌تر شدن مداوم اوضاع فلسطین توجه شمار بیشتری از محققان و محافل علمی در جهان اسلام و غرب را به خود جلب کرده است. طی نیم‌قرن اخیر رژیم صهیونیستی در برابر پیروزی‌های ملت فلسطین راهبردهایی را در جهت اهداف خویش طراحی کرده که هیچ‌یک از آن‌ها به واقعیت نزدیک نبوده است. رژیم صهیونیستی در راستای تثبیت اشغالگری خود و سپس گسترش ابعاد جغرافیایی آن، راهبرد «از نیل تا فرات» را مطرح ساخته و ملت فلسطین با هدف مبارزه تا رفع اشغالگری، راهبرد «از نهر تا بحر» را ارائه کرده است. راهبرد کلان رژیم صهیونیستی تسلط کامل بر سرزمین‌های بین نیل تا فرات است. از سوی دیگر نیروهای مقاومت در جهت دستیابی به راهبرد از نهر تا بحر مسیری نسبتاً طولانی را طی کرده‌اند. طی سالیان

گذشته آنان بدون ارائه تعریفی صحیح از راهبرد خود، در برابر صهیونیست‌ها به مبارزه می‌پرداختند. برخی از گروه‌های فلسطینی در جریان سازش، مهم‌ترین آمال اسلامی و فلسطینی یعنی قدس شریف را نیز تا حدی مورد معامله قرار دادند؛ چنان‌که فیصل الحسینی، مسئول قدس در سازمان آزادی‌بخش فلسطین، در آغاز سال ۱۹۹۷ میلادی اعلام کرد که فلسطینی‌ها با پایتختی قدس برای دولت‌های اسرائیل و فلسطین موافقاند (دهقانی پوده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). وجود روحیه سازش در این جریان سبب گشت آنان به دراختیارداشتن بخش‌هایی از خاک فلسطین قناعت کند. اما برتری جریان مقاومت در منازعات غرب آسیا و پیروزی این جبهه در جنگ سی‌وسه‌روزه و دیگر درگیری‌هایی که به پیروزی جبهه مقاومت بر رژیم صهیونیستی منتهی شد، زمینه طرح راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» را از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران مهیا ساخت.

عرصه میدانی راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» دامنه گسترده‌ای از تحولات تاریخی، سیاسی و جغرافیایی را در بر می‌گیرد و حاوی این واقعیت است که محدوده کشور فلسطین از کجا تا به کجا کشیده شده است؛ به عبارت دیگر ادراک صحیح از راهبرد مذکور موجب می‌گردد فلسطینیان بتوانند برای به‌دست‌آوردن حقوق خود در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی و سرزمینی با طرح و برنامه اقدام نمایند. با توجه به این بیان، حد شرقی فلسطین رود اردن، حد غربی آن دریای مدیترانه، حد شمالی آن بلندی‌های جولان و حد جنوبی‌اش صحرای سیناست؛ پس هر طرحی که با این حدود سازگار نباشد، مردود است. برخی تلاش کردند با اعطای قسمتی از سرزمین فلسطین همانند کرانه باختری رود اردن، زمینه‌ساز فراموشی حقوق اساسی و اصیل مردم فلسطین گردند؛ لکن با مطرح‌شدن طرح راهبردی «فلسطین از نهر تا بحر» امید است تلاش‌های مذکور ناکام بماند.

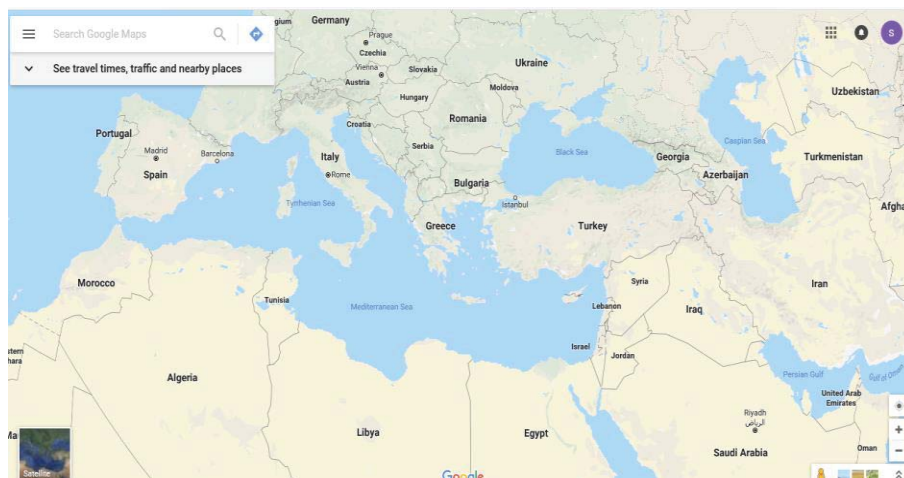
بررسی اسناد تاریخی گواه آن است که در میثاق‌نامه حماس، منظور از فلسطین تمامی اراضی فلسطین، اعم از اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ است؛ زیرا جنبش حماس فلسطین را موقوفه اسلامی می‌داند (رضوی، ۱۳۸۴، ص ۷۵). طبق ماده یازدهم از میثاق‌نامه حماس، این سرزمین به همه نسل‌های مسلمان تعلق دارد و حتی چشم‌پوشی از ناچیزترین بخش آن نیز مجاز نیست و هیچ دولت یا سازمانی (فلسطینی یا غیرفلسطینی) حق چشم‌پوشی از یک وجب از آن را هم ندارد؛ لذا در بیانیه ۱۸ آگوست ۱۹۸۸ نیز تعبیر «فلسطین از نهر تا بحر» ذکر شده و تأکید شده است که مسلمانان فلسطینی از نسل‌های گذشته، حال و آینده بر این سرزمین حق کامل و تبصره‌ناپذیر دارند (همان، ص ۷۶).

اگرچه این راهبرد در میثاق حماس وجود داشته، هیچ‌گاه به عنوان راهبردی رسمی در سطح بین‌المللی مطرح نشده است تا اینکه رهبر سیاسی و مذهبی انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در پنجمین اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین آن را به عنوان یک راهبرد و موضع رسمی از سوی جهان اسلام ارائه کردند و فرمودند:

«هر طرح عملیاتی در موضوع فلسطین باید بر اصل "همه فلسطین برای همه مردم فلسطین" استوار باشد؛ چراکه فلسطین، فلسطین از نهر تا بحر است نه حتی یک وجب کمتر» (بیانات مقام معظم رهبری در پنجمین اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۷/۹).

از آن تاریخ تا کنون این تعبیر به عنوان یک راهبرد کلان در جریان مقاومت مورد تأکید قرار گرفته است. در این تعبیر مراد از «بحر» دریای مدیترانه است. مدیترانه میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده است. این دریا از راه تنگه جبل الطارق به اقیانوس اطلس راه دارد و از طریق کانال سوئز در مصر با دریای سرخ مربوط است. وسعت این دریا بیش از دو و نیم میلیون کیلومتر مربع و میانگین عمق آن

۱۵۰۰ متر است. این دریا از لحاظ کشتیرانی و ترابری دریایی از مهم ترین دریا‌های جهان به شمار می‌رود. این دریا حد غربی سرزمین فلسطین محسوب می‌گردد. دریای مدیترانه در ساحل آسیایی خود با کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی هم‌مرز است. فراورده‌های کشاورزی مناطق ساحلی این دریا عبارت‌اند از: زیتون، انگور، پرتقال، نارنگی و چوب‌پنبه که سرزمین فلسطین نیز به این نوع میوه‌ها مخصوصاً زیتون شناخته می‌شود.



مراد از «نهر» رود اردن است که با طول ۱۵۲ کیلومتر، بزرگ‌ترین رود و منبع اصلی تأمین آب شرب، صنعتی و کشاورزی مردم منطقه مدیترانه است و حد شرقی سرزمین فلسطین محسوب می‌شود. رود اردن با سه حوضه آبریز^۱

۱. واژه «آبریز» معانی مختلفی دارد که یکی از آنها در فرهنگ فارسی عمید بدین صورت است: جایی از رودخانه که آب از کوه یا نهر وارد آن می‌شود. در اصطلاح جغرافیایی، حوضه آبریز به قسمتی از خشکی‌ها گفته می‌شود که با توجه به شیب و شکل زمین، آب‌ها در آنجا به پست‌ترین مکان موجود در پهنه آن جریان یابد؛ به بیان دیگر وقتی باران بر پستی‌ها و بلندی‌های زمین می‌بارد، آب در جهت شیب زمین حرکت می‌کند و پس از پیوستن به هم به صورت یک رود به سمت دریا، دریاچه و... روان می‌شود. منطقه‌ای که رواناب‌های سطحی آن در یک مسیر مشخص حرکت کنند و در یک نقطه متمرکز شوند، حوضه آبریز نام دارد.

بالادست، میان‌دست و پایین‌دست در کشورهای سوریه، لبنان، اردن و فلسطین، با وسعتی معادل ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع از بلندی‌های جولان تا صحرای سینا را شامل می‌گردد. حوضه آبریز بالادست از سوریه و لبنان جاری می‌شود و تا دریاچه طبریا را در بر می‌گیرد. وسعت این بخش بیش از ۵٪ تمام سه حوضه را شامل نمی‌شود، ولی بیشترین آب رود را تأمین می‌کند. حوضه آبریز میانی شامل دریاچه طبریا و شش کیلومتر پس از دریاچه قبل از پیوستن رود یرموک است. حوضه آبریز پایین‌دست از محل تلاقی با رود یرموک شروع می‌شود و تا دریای مرده (بحر المیت) و از آنجا تا بخش‌های جنوبی فلسطین در نزدیکی صحرای سینا ادامه دارد (موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۶۶).

بیان شد که مراد از «نهر» رود اردن و حوضه آبخیز مربوط به آن است و در نقشه نیز نشان داده شد که این حوزه از بلندی‌های جولان آغاز می‌گردد و تا صحرای سینا ادامه دارد. از اتصال دو سوی این حوضه آبخیز به دریای مدیترانه منطقه‌ای شکل می‌گیرد که همه سرزمین فلسطین اعم از کرانه باختری، غزه، بیت‌المقدس، حیفا و حتی تل‌آویو را در بر می‌گیرد؛ در نتیجه همان‌گونه که در میثاق حماس و رهبر مسلمین جهان آمده بود، همه سرزمین فلسطین را شامل می‌شود و حتی یک وجب از آن را نیز واگذار نمی‌نماید؛ لذا با عنایت به این گستره برای سرزمین فلسطین، هر طرحی که هر یک از دو حکومت پیشنهاد کند که بخواهد در مورد بخشی از این سرزمین مصالحه نماید، محکوم به شکست است؛ زیرا با آرمان‌های فلسطینی و وظایف اسلامی مسلمانان منافات دارد.



جغرافیای فلسطین در روند تاریخ

بررسی و تحلیل ابعاد راهبرد « نهر تا بحر » مستلزم بررسی موقعیت تاریخی سرزمین فلسطین و ساکنان آن است. در حالی که پژوهشگران صهیونیست برای توجیه اشغالگری خود که طبعاً مخالف قوانین بین‌المللی و عرف و عقل است، دست به تحریف واقعیت‌های تاریخی می‌زنند و به زعم خود، با تحریف تاریخ ساکنان اولیه این سرزمین را یهودیان می‌دانند، اسناد تاریخی حاکی از بطلان چنین ادعایی است. سابقه تاریخی منطقه فعلی فلسطین به حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. (دوست‌محمدی، ۱۳۸۲، ص ۶۹-۷۰). در آن تاریخ برای

اولین بار قبایلی از کنعانی‌های جزیره‌العرب به این سرزمین کوچ کردند و در آن سکنا گزیدند. در پژوهش‌های باستان‌شناسی، اسکلت‌ها و شکل‌های فسیل‌های برجامانده از ساکنان حدود پنجاه‌هزار تا بیست‌هزار سال قبل در این منطقه یافت شده است که به خاندان و تبار سام و حام^۱ تعلق دارد. این مطلب مطابق است با شرح کتاب مقدس -شامل کتب عهد عتیق و جدید- که کنعانیان را اولین ساکنان فلسطین می‌داند. (همان، ص ۶۹-۷۰).

پس از ورود کنعانی‌ها به سرزمین فلسطین فعلی، اقوام دیگری هم به تدریج راهی این سرزمین شدند. آموریان، حتیان، حویان، فلسطی‌ها و... اقوامی هستند که پیش از عبرانی‌ها در این سرزمین سکونت داشتند. یهودیان خود را از نژاد عبرانی به حساب می‌آورند و عبرانی‌ها هم خود را از اولاد حضرت ابراهیم^ع می‌دانند. از میان اقوامی که پیش از عبرانی‌ها در فلسطین زندگی می‌کردند، قوم فلسطی از اهمیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار بود و به همین دلیل، ارض کنعان به فلسطین تغییر نام یافت (همان).

سرزمین کنعان در جنوب شام و تن مردمی از نژاد سامی بود که حلقه ارتباط میان اعراب و فنیقی‌ها بودند. اما سابقه حضور عبرانی‌ها در فلسطین حداکثر به ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، بعد از حضور کنعانیان عرب‌تبار در فلسطین بر می‌گردد. در آن تاریخ گروهی از قبایل عبرانی به رهبری حضرت ابراهیم^ع از شهر «اور» یا «شوش» فعلی به سرزمین کنعان مهاجرت کردند.

خداوند حضرت اسحاق^ع را به ابراهیم عنایت کرد و از اسحاق^ع حضرت یعقوب^ع به دنیا آمد. لقب آن حضرت «اسرائیل» بود و به همین جهت قوم یهود خود را «بنی اسرائیل» می‌نامند. از سوی دیگر، اسماعیل فرزند دیگر حضرت

۱. فرزندان نوح پیامبر^ع

ابراهیم و جد پدری اعراب است؛ به عبارت دیگر، همان قدر که فرزندان اسرائیل خود را منتسب به حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانند، اعراب فلسطین نیز به آن حضرت منتسب هستند. (احمدی، ۱۳۶۹، ص ۱۱). اسماعیل و دوازده پسرش در میان اعراب جنوب منطقه زیستند که از دسته عدنانی، طایفه قریش و از این قبیله حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر اسلام متولد شد. اسحاق و دو پسرش عیصو و یعقوب در قسمت شمالی ناحیه کنعان ماندند (محیط طباطبایی، ۱۳۵۶، ص ۹۴).

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی وارد فلسطین شد، اورسالم را به عنوان محل اقامت خود انتخاب کرد و به همین دلیل نام عبری این شهر «یورشالیم»، «اورشالیم» یا «اورشلیم» است. پس از مدتی حضرت ابراهیم به دستور خداوند قربانگاه و مکان مقدسی در این شهر ایجاد کرد و آن را «بیت‌الله» نهاد و به حکم همین قداست بود که مسلمانان پس از ورود مسالمت‌آمیز به آن در سال پانزدهم هجری نام «بیت‌المقدس» را بر آن نهادند (خسروشاهی، ۱۳۷۰، ص ۳۰). بدین ترتیب عبرانی‌ها همچون سایر اقوام مهاجر و بدون آنکه هیچ‌گونه حاکمیت یا مالکیتی بر فلسطین ایجاد کنند، در این سرزمین ساکن شدند تا آنکه فرزندان یعقوب در عصر یوسف به مصر مهاجرت کردند.

دوران ورود بنی اسرائیل به فلسطین

در سال ۱۲۰۷ قبل از میلاد، حضرت موسی علیه السلام که از سوی خداوند برای هدایت بنی اسرائیل مأمور شده بود، تصمیم گرفت بنی اسرائیل را به «ارض موعود»^۱ بازگرداند. بنی اسرائیل برای انجام این کار به رهبری موسی علیه السلام از مصر به صحرای سینا مهاجرت کردند؛ اما پس از ماجراهای فراوان به مدت چهل سال در

۱. به انگلیسی «Promised Land» و به عبری «הארץ המובטחת».

۲. این سرزمین بنا به اعتقاد یهودیان و چنان‌که از کتب دینی آنان برمی‌آید، نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی و اعتقاد قوم اسرائیل داشته است. ابراهیم به قصد رسیدن به این سرزمین که خداوند آن را موعود خویش قرار داده، زادگاه خود را ترک می‌نماید.

صحرای سینا سرگردان بودند.^۱ بعد از رحلت موسی علیه السلام یوشع بن نون، سردار یهودی، رهبری بنی اسرائیل را به دست گرفت و آنها را به ساحل اردن و سپس به اریحا در فلسطین هدایت کرد و در نهایت بنی اسرائیل به پشت دیوارهای اورسالم رسیدند. (دوست محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۲). بنی اسرائیل بدین سان در گوشه جنوب غربی کنعان ساکن شدند و از زمان طالوت (شاول) و داود تا اواخر روزگار اقامت عبرانیان در کنعان با کافران و مشرکان منطقه فلسطین به جنگ و ستیزه می‌پرداختند. در این دوران بود که نام فلسطین در داستان‌های بنی اسرائیل جای اسم کنعان را گرفت و فلسطینی‌ها که سکنه بخشی از این سرزمین بودند، به تنهایی شناخته شدند (محیط طباطبایی، ۱۳۵۶، ص ۹۵).

در سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد، حضرت داود توانست اورسالم را تصرف کرده، حکومت بنی اسرائیل را در آنجا تأسیس نماید و پس از او رهبری قوم بنی اسرائیل به سلیمان نبی علیه السلام رسید. پس از فوت حضرت سلیمان در سال ۹۲۷ قبل از میلاد، قلمرو پادشاهی‌اش دستخوش تفرقه و تجزیه شد و فلسطین به دو بخش متخاصم شمال و جنوب تبدیل گردید. در سال ۷۲۲ قبل از میلاد، آشوریان کل پادشاهی اسرائیل را ویران کردند و قبایل آن را به اسارت بردند و در نتیجه بخشی از عبرانی‌ها که معروف به بنی اسرائیل بودند، به‌طور کامل از صحنه فلسطین محو شدند. در سال ۳۳۰ قبل از میلاد، اسکندر مقدونی بر کل خاورمیانه، از جمله فلسطین، سلطه پیدا کرد. با مرگ اسکندر، اختلاف و کشمکش بین فرماندهان وی بر سر حکومت بر فلسطین منجر به تضعیف و تفرقه در حاکمیت این سرزمین شد. یهودیان نیز از فرصت استفاده کردند و به رهبری شمعون مکابی در سال ۱۴۲ قبل از میلاد، دست به شورش زدند؛ اما تلاش آن‌ها برای کسب استقلال

۱ رجوع شود به سوره مائده آیات ۲۱، ۲۲ و ۲۶.

موفق نبود. در سال ۶۳ قبل از میلاد، پمپئوس سردار رومی فلسطین را فتح و اورشلیم را به ویرانه‌ای تبدیل کرد. حضرت مسیح ﷺ نیز در همین دوران در در بیت‌لحم متولد شد (دوست‌محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۲-۷۳).

فلسطین در دوران اسلامی

بیت‌المقدس و سرزمین‌های اطراف آن در طول تاریخ همواره از اهمیت استراتژیک و قداست خاصی نزد ادیان بزرگ الهی برخوردار بوده است. به حکم همین اهمیت و قداست بود که پیامبر گرامی اسلام در آخرین روزهای عمر خود تصمیم گرفتند بیت‌المقدس را از سلطه ظالمانه حکام روم خارج سازند. به دستور پیامبر ﷺ سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید بن حارثه برای حرکت به سوی بیت‌المقدس آماده شد که با کارشکنی برخی افراد مواجه گشت و حرکت آن به تأخیر افتاد. در همین ایام وجود مبارک رسول خدا در بستر بیماری افتاد و لذا حرکت سپاه اسامه در زمان رسول خدا ﷺ صورت نپذیرفت (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۴).

سپاه اسامه در زمان خلیفه اول برای جنگ با رومیان اعزام شد و سپاهیان اسلام پس از نبردهایی چند، شهرهای مختلف فلسطین و شام را فتح کردند و در زمان خلیفه دوم به ایلیا^۱ رسیدند؛ اما به علت حرمتی که این شهر نزد مسلمانان داشت، از حمله به آن خودداری کردند و به محاصره آن بسنده کردند (دوست‌محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۴)؛ بدین صورت که ابوعبیده ابتدا ساکنان بیت‌المقدس را دعوت کرد که یا اسلام را بپذیرند یا جزیه دهند. وقتی آنان از پذیرش آن سر باز زدند، او شهر را محاصره کرد (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳).

۱. رومی‌ها پس از سرکوب شورش‌ها در فلسطین به بازسازی شهر اورشلیم اقدام کردند و نام آن را به «ایلیا» تغییر دادند. این نام تا فتح آن توسط مسلمانان باقی بود؛ سپس به مناسبت قداستی که در بین مسلمانان داشت، بیت‌المقدس نامیده شد.

مسلمانان در ضمن عهدنامه‌ای که با مسیحیان بومی فلسطین بسته بودند، تعهد کرده بودند که به هیچ یهودی‌ای اجازه اقامت در بیت‌المقدس ندهند (خسروشاهی، ۱۳۷۰، ص ۳۰-۳۱). بر اساس این معاهده، مردم آزاد بودند در قدس بمانند یا با اموال خود به روم یا هر جا می‌خواهند، بروند (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). در معاهده خلیفه ثانی چنین آمده است^۱:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ این امان‌نامه‌ای است که عمر بنده خداوند، پیشوای مسلمانان به مردم ایلیا داده است. به جان و مال و کلیسا و مریض و سالم و همه افراد آن امان می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که کلیسای آنان را اشغال کنند و آن‌ها را ویران سازند و چیزی از آن‌ها کم کنند. همچنین امان می‌دهد که کسی با صلیب و دارایی آنان کاری نداشته باشد و آنان در مسائل مذهبی آزاد باشند و به کسی آزار نرسد و ایشان هم احدی از یهودیان را در ایلیا سکونت ندهد» (خسروشاهی، ۱۳۷۰، ص ۳۰-۳۱).

در زمان امویان شرط اسکان نیافتن یهودیان در بیت‌المقدس لغو گردید و یهودیان اجازه یافتند برای زیارت به فلسطین بیایند و در صورت تمایل می‌توانستند در آنجا به‌ویژه شهر قدس سکونت نمایند. در دوران حکمرانی صلاح‌الدین نیز برای یهودیانی که در مصر و شام از موقعیت ممتازی در دولت

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَعْطَى عَبْدُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَمْرُ أَهْلَ إِبِلْيَا مِنَ الْأَمَانِ أَعْطَاهُمْ أَمَانًا لَا تُفْسِدُهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَلَكِنَّا نَسْتَعِينُهُمْ وَلِصَلْبَانِهِمْ وَمَقِيمِهَا وَبَرِيهَا وَسَائِرِ مَلْتَهَا إِنْهَا لَا تَسْكُنُ كِنَانَتَهُمْ وَلَا تَهْدِمُ وَلَا يَنْتَقِصُ مِنْهَا وَلَا مِنْ حَدِّهَا وَلَا مِنْ صَلْبِيهِمْ وَلَا شَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَلَا يَكْرَهُونَ عَلَيَّ دِينَهُمْ وَلَا يَضَارُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَلَا يَسْكُنُ بِإِبِلْيَا مَعَهُمْ أَحَدٌ مِنَ الْيَهُودِ وَعَلَى أَهْلِ إِبِلْيَا أَنْ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ كَمَا يُعْطِي أَهْلَ الْمَدَائِنِ وَعَلَى أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا الرُّومَ وَاللصُّوَصَ فَمَنْ خَرَجَ مِنْهُمْ فَهُوَ آمِنٌ عَلَى نَفْسِهِ وَمَالِهِ حَتَّى يَبْلُغُوا مَأْمَنَهُمْ وَمَنْ أَقَامَ مِنْهُمْ آمِنٌ وَعَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَى أَهْلِ إِبِلْيَا مِنَ الْجِزْيَةِ وَمَنْ أَحَبَّ مِنْ أَهْلِ إِبِلْيَا أَنْ يَسِرَّ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ مَعَ الرُّومِ وَيَخْلِي بَيْعَتَهُمْ وَصَلْبِيهِمْ فَإِنَّهُمْ آمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَعَلَى بَيْعَتِهِمْ وَصَلْبِيهِمْ حَتَّى يَبْلُغُوا مَأْمَنَهُمْ وَمَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَمَنْ شَاءَ مِنْهُمْ قَعَدَ وَعَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَى أَهْلِ إِبِلْيَا مِنَ الْجِزْيَةِ وَمَنْ شَاءَ سَارَ مَعَ الرُّومِ وَمَنْ شَاءَ رَجَعَ إِلَى أَرْضِهِ فَإِنَّهُ لَا يُؤْخَذُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يَحْصِدَ حِصَادَهُمْ وَعَلَى مَا فِي هَذَا الْكِتَابِ عَهْدُ اللَّهِ وَذِمَّتُهُ وَذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذِمَّةُ الْخُلَفَاءِ وَذِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا أَعْطُوا الَّذِي عَلَيْهِمْ مِنَ الْجِزْيَةِ (علیمی حنبلی، الانس الجلیل، ص ۲۵۳-۲۵۴).

ایوبی برخوردار بودند، امکان بازگشت به قدس فراهم گشت (محیط طباطبایی، ۱۳۵۶، ص ۹۸). از این تاریخ، یعنی سال ۶۳۸ میلادی تا پایان جنگ جهانی اول - به جز دوران نسبتاً کوتاه سلطه محدود و ناتمام صلیبی‌ها بر بیت المقدس و بخش‌هایی از فلسطین - یعنی حدود دوازده قرن، این سرزمین تحت حاکمیت حکومت‌های اسلامی باقی ماند. هزاران عرب تازه‌مسلمان‌شده به سرزمین آبا و اجدادی خود مهاجرت کردند و در فلسطین ساکن شدند. آن‌ها/اعراب کنعانی آنجا را به دین اسلام دعوت می‌کردند، با آن‌ها ازدواج می‌نمودند و به تدریج، زبان، آداب، اعتقادات و حتی معماری فلسطین را اسلامی کردند (دوست محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

جنگ جهانی اول و مسئله فلسطین

تاریخ پرفرازونشیب تحولات فلسطین نشان می‌دهد که ادعای صهیونیست‌ها بر ساخته ذهن آنان است و واقعیت‌های تاریخی آن را تأیید نمی‌کند. به زعم این امر، وقوع جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی فرصتی فراهم آورد تا یهودیان که مدعی بودند در طول تاریخ از فلسطین رانده شده‌اند و در کشورهای اروپایی و غرب آسیا سکونت یافته‌اند، در پی بازگشت به سرزمین موعود برآیند (زاید، ۱۹۸۰، ص ۷). از سوی دیگر صلیبی‌ها نیز که بارها تجربه تلخ شکست از مسلمانان را داشتند، با آنان متحد شدند و به منطقه سوق‌الجیشی فلسطین نظر داشتند. این اشتراک نظر اولین بار در زمان ناپلئون بناپارت تجلی یافت. وی که هم خود سودای حاکمیت بر جهان را از طریق سلطه بر منطقه حساس خاورمیانه در سر داشت و هم از جامعه‌ناپذیری‌ها و کارشکنی‌های یهودیان در فرانسه به تنگ آمده و در صدد بود به گونه‌ای جامعه فرانسه را از شر آنان راحت نماید، تلاش کرد با شعار بازگشت یهودیان به سرزمین آبا و اجدادی، اعاده عظمت ازدست‌رفته یهودیان و تشکیل مجدد مملکت کهن قدس، با انتقال یهودیان فرانسه و اروپا به

فلسطین، از حضور آنان در آنجا به عنوان پایگاهی جهت سلطه بر منطقه سوق‌الجیشی خاورمیانه استفاده کند. اما این نقشه ناپلئون، به‌ویژه پس از شکست وی در لشکرکشی از مصر به سوریه، مورد توجه یهودیان قرار نگرفت (احمدی، ۱۳۶۹، ص ۱۸).

جنگ جهانی اول یا جنگ بزرگ فرصتی طلایی (رودنسون، بی‌تا، ص ۲۴ و احمدی، ۱۳۶۹، ص ۶۳) برای جنبش صهیونیسم بود؛ زیرا امپراتوری عثمانی، یعنی مهم‌ترین مانع تأسیس دولت یهودی، فروپاشید (کیالی، ۱۳۶۶، ص ۹۹). در مقابل، استعمار پیر انگلیس به حمایت از خواسته‌های نهضت صهیونیسم برخاست (احمدی، ۱۳۶۹، ص ۹۹). با خاتمه جنگ و شکست عثمانی، فلسطین زیر حمایت انگلیس قرار گرفت و در نتیجه مهاجرت یهودیان به فلسطین سرعت یافت (محیط طباطبایی، ۱۳۵۶، ص ۱۰۰).

در این دوران و با آغاز جنگ جهانی اول، «حسین شریف مکه» و پسرانش «فیصل» و «عبدالله» به کمک انگلستان بر ضد دولت عثمانی سر به شورش برداشتند. بریتانیا به حسین وعده داد که در صورت قیام علیه عثمانی می‌تواند در سراسر ایالت‌های عربی خلافتی عربی-اسلامی ایجاد نماید (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). انتشار اعلامیه بالفور (سجادی، ۱۳۸۶، ص ۶۴) در سال ۱۹۱۷ -یک ماه پیش از ورود ارتش انگلستان به فلسطین- نشان از آن داشت که این تصور حسین و فرزندانش چیزی جز ساده‌اندیشی و اعتماد به کفر نبود، لکن به علت نداشتن بصیرت به وضعیت جهانی، نتوانست آن‌ها را از عمق فاجعه آگاه سازد. قرارداد «سایکس-پیکو» نیز نشان می‌داد که استان‌های عربی بین فرانسه و انگلستان تقسیم خواهد شد؛ اما هنوز جاه‌طلبی حسین و فرزندانش آن‌ها را به اعتماد به روباه پیر وا می‌داشت. واقعه پایین کشیدن پرچم «استقلال طلبان عرب» در بیروت آغاز بیداری برخی از فرماندهان عرب و آگاهی آن‌ها از توطئه انگلستان بود؛ اما فرصت جبران از دست رفته بود

(صمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳). در فوریه ۱۹۱۹ در واکنش به اعمال تحریک‌آمیز فرانسه و انگلستان، اولین «کنفرانس سراسری فلسطین» برگزار شد. در این کنفرانس حدود سی نفر از نمایندگان فلسطینی شرکت داشتند که قرار شد پیشنهاد خود را برای آینده فلسطین به فیصل ارائه کنند تا از آن در «کنفرانس پاریس» در ۲۵ فوریه استفاده شود. در بیانیه اولین کنفرانس سراسری فلسطین، این سرزمین خود را جزئی از سوریه عربی می‌نامد و ادعاهای فرانسه را نسبت به آن فاقد اعتبار می‌داند. با توجه به این بیانیه، فلسطین کشوری مستقل شناخته نمی‌شد و خود را بخشی از سوریه می‌دانست.

فیصل نتوانست از مذاکرات پاریس نتیجه‌ای بگیرد و با دست‌ان خالی به خانه بازگشت و در سوریه اعلام خلافت عربی-اسلامی نمود. برادرش عبدالله نیز در عراق همین کار را انجام داد. حاصل آنکه متفقین از این حرکات احساس خطر کردند و این استقلال را به رسمیت نشناختند (همان، ص ۲۵). در سال ۱۹۲۲ «شورای جامعه ملل» سند قیمومیت بر سرزمین‌های عربی را تصویب کرد (سجادی، ۱۳۸۶، ص ۵۳) و بر این اساس فلسطین در قیمومت انگلستان درآمد. در این سند، بخش عمده پیشنهادهای «سازمان جهانی صهیونیسم» تنظیم و عملاً شراکت دولت انگلستان و صهیونیست‌ها در اداره فلسطین به رسمیت شناخته شد (شیرودی، ۱۳۸۱، ص ۸۲). انگلستان در سال ۱۹۳۹ با انتشار «کتاب سفید سال ۱۹۳۹» با ادبیاتی چندپهلوی و ابهام‌آمیز، باز هم بر طرح ایجاد یک کشور با دو ملیت تأکید کرد و نام آن را خودگردانی گذاشت (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۱). دو ماه پس از انتشار این کتاب بود که جنگ جهانی دوم آغاز شد و شرایط جنگی اقتضا می‌کرد صهیونیست‌ها به انگلستان نزدیک‌تر شوند و این شرایط چهار سال ادامه داشت. در سال ۱۹۴۶ اتحادیه عرب بر یکپارچگی خاک فلسطین تأکید نمود و هر نوع تقسیم فلسطین را مردود دانست. در همین سال آمریکا و انگلستان «طرح موریسون-گرادی» را ارائه

کردند که فلسطین را به چهار قسمت ولایت عربی، ولایت یهودی، بخش قدس و بخش نقب تقسیم می‌کرد (همان، ص ۸۷). فرازونشیب‌های تقسیم خاک فلسطین ادامه یافت تا آنکه در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای فلسطین را به دو کشور عربی و یهودی تقسیم کرد. این قطعنامه با ۳۳ رأی موافق و ۱۳ رأی مخالف در مجمع عمومی به تصویب رسید (شیخ‌نوری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶). بر اساس این طرح ۵۶ درصد خاک فلسطین به کشور یهودی و ۴۴ درصد آن به کشور عربی اختصاص یافت و منطقه بیت‌المقدس نیز بین‌المللی اعلام شد و تحت نظر سازمان ملل قرار گرفت. شایان ذکر است که تا قبل از این مصوبه سازمان ملل، یهودیان فقط ۶ تا ۷ درصد خاک فلسطین را در اختیار داشتند؛ ولی بر اساس این مصوبه، به ۵۶ درصد آن دست یافتند (همان، ص ۹۰).

راهبرد فلسطین از نهر تا بحر و نفی رویکردهای سازشکارانه

از دیگر زمینه‌های طرح راهبردی «از نهر تا بحر» اقدامات سازشکارانه‌ای بود که از آغاز دهه ۹۰ میلادی به این سو برخی از گروه‌های فلسطینی ارائه کردند. بر این اساس، افزون بر ریشه‌های ژئواستراتژیکی که نشان می‌دهد ادعای ارضی صهیونیست‌ها تحریف واقعیت‌های تاریخی است، راهبرد «از نهر تا بحر» به حفظ تمامیت ارضی فلسطین تأکید دارد و هر رویکردی را که در صدد سازش با رژیم صهیونیستی باشد، رد می‌کند. طبق طرح صهیونیست‌ها و حامیان استکباری آنان، تقسیم خاک فلسطین بین یهودیان و اعراب به گونه‌ای صورت می‌گیرد که تسلط یهودیان بر آن تضمین شده باشد؛ لذا دو جریان عمده در برابر آن پدید آمد: جریان مقاومت و جریان سازش. راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» با دیدگاه سازشکار تعارض دارد. دیدگاه رقیب پیرو راهبرد سازش با رژیم غاصب صهیونیستی است. این جریان در سال ۱۹۹۴ متعاقب پیمان اسلو، توانست بخش‌هایی از فلسطین را به

عنوان یک حکومت خودگردان به دست آورد؛ لکن وارد بازی رژیم صهیونیستی شد که حاصل آن چیزی جز فراموشی آرمان‌های فلسطینی اعم از پایتختی بیت‌المقدس و بازگشت آوارگان نیست. طبق پیمان اسلو کنترل مسائل امنیتی و کشوری مناطق شهرنشین به صهیونیست‌ها و فقط کنترل مسائل کشوری مناطق روستایی به حکومت فلسطین تفویض گردید. بقیه مناطق، از جمله مناطق مسکونی اسرائیل، منطقه دره اردن و جاده‌های عبوری بین مناطق فلسطینی‌نشین نیز تحت کنترل انحصاری اسرائیل باقی می‌ماند و بیت‌المقدس شرقی هم از شمول مفاد این پیمان مستثنا گردید.

از نقاط ضعف تفکر سازش و‌گذاری زمین به دشمن و به تبع آن، به رسمیت شناختن یک حکومت غاصب است؛ لکن راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» تأکید می‌کند که همه سرزمین‌های بین نهر اردن تا بحر مدیترانه متعلق به فلسطینیان است و غاصبان این سرزمین هیچ‌گونه حقی در آن ندارند؛ لذا هیچ‌گونه امتیازی، اعم از زمین یا حتی یک امتیاز ساده سیاسی، به دشمن غاصب نمی‌دهد؛ چراکه وقتی رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته نشود، دادن هر نوع امتیاز به او نیز سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود؛ به همین علت این راهبرد، راهبرد رقیب را به صراحت نفی می‌نماید.

زمینه‌های سیاسی راهبرد فلسطین از نهر تا بحر

راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» از سوی عالی‌ترین مقام حکومتی ایران اسلامی با صراحت و از یک تریبون رسمی اعلام گشت. اعلام رسمی این سیاست و راهبرد ناشی از زمینه‌ها و عواملی سیاسی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

جایگاه فلسطین در اندیشه و عمل مسلمانان

فلسطین جایگاه مقدسی در بین ادیان دارد؛ به‌خصوص در تاریخ اسلام که بیت‌المقدس قبله اول مسلمانان و محل معراج پیامبر بوده و خداوند این سرزمین مقدس را محترم شمرده است. از دیدگاه قرآن کریم و احادیث نبوی و همچنین در تاریخ اسلام، فلسطین و بیت‌المقدس جایگاه بارز و اهمیت ویژه‌ای داشته است. اهتمام و توجه قرآن کریم به این سرزمین مقدس به سال‌های متمادی پیش از ورود اسلام به این سرزمین باز می‌گردد. فلسطین در اندیشه عالمان مسلمان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به همین علت مسئله مهمی که در اندیشه امام خمینی علیه السلام و عملکرد حرکت اسلامی در ایران قابل تأمل است، موضع‌گیری ایشان در قبال مسئله فلسطین است. امام خمینی علیه السلام با شناخت ماهیت و نقش استعمار و چالش معاصر غرب علیه اسلام و تهاجم فرهنگی غرب دریافتند که اسرائیل نمایش واقعی این چالش است؛ بنابراین مسلمانان جهان را به مقابله با این چالش دعوت کردند و برای تقویت همبستگی و وحدت میان مسلمانان آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز جهانی قدس اعلام کردند (۱۶ مرداد ۱۳۵۸ / ۱۳ رمضان ۱۳۹۹).

اعلام حمایت جمهوری اسلامی ایران از تمامیت سرزمین فلسطین

اعلام رسمی راهبرد مذکور توسط رهبر انقلاب اسلامی از حمایت جمهوری اسلامی ایران از همه سرزمین‌های اسلامی حکایت دارد. سرزمین‌های اسلامی بخشی از پیکره اسلام هستند و در هر نقطه از دنیا هم که واقع گردند، مورد حمایت مسلمانان‌اند. در نگاه نخست به نظر می‌رسد راهبرد مذکور فقط اشاره به فلسطین دارد. اما حقایق میدانی نشان می‌دهد که در این راهبرد، خروج غاصب از همه سرزمین‌های اسلامی بیان شده است؛ به عبارت دیگر این راهبرد حتی حاضر به مصالحه بر سر بخش کوچکی از سرزمین اسلامی در منطقه‌ای کویری نیز نیست. این تفکر در همه سرزمین‌های اسلامی اعم از فلسطین، جولان، لبنان و... یکسان است.

تأکید بر وحدت همه جریان‌های فلسطینی

خدای متعال در قرآن کریم همه مسلمانان را به وحدت و اعتصام به حبل الهی امر می‌نماید. در قرآن کریم آمده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران (۳): ۱۰۳). آیه مذکور شامل همه جریان‌های مقاومت در برابر رژیم غاصب صهیونیستی و کشورهای اسلامی می‌شود. در سال‌های گذشته، جریان‌های مقاومت با اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای متفاوت و گاهی متضاد، ساختار وحدت میان خود را از بین برده بودند. راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» موجب می‌شود جریان‌های مقاومت و حکومت‌های اسلامی در موضوعی واحد با یکدیگر متحد شوند و با وحدت کلمه در برابر دشمن واحد اقدام نمایند.

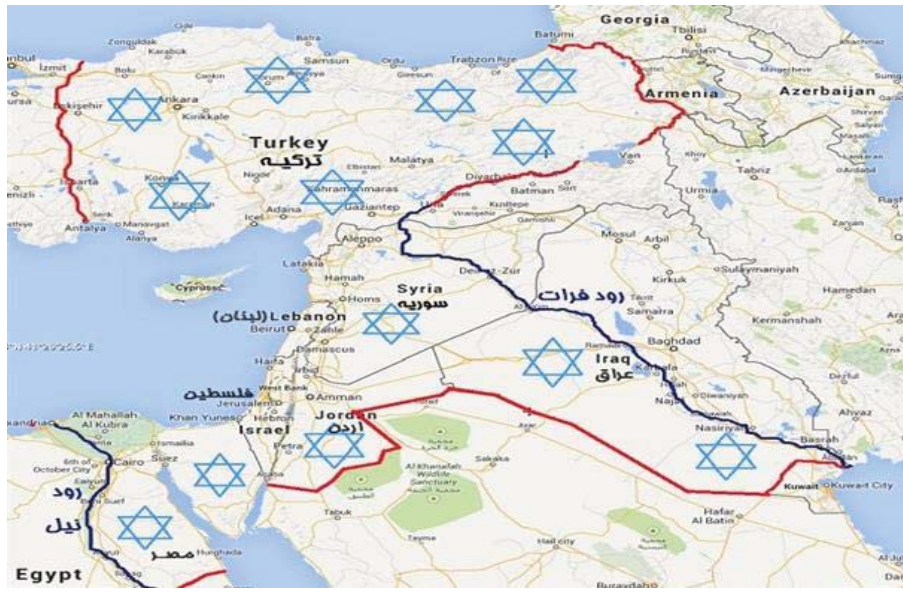
روحیه‌بخشی به جبهه مقاومت

جنگ‌های فرسایشی و چریکی سبب شد بسیاری از مبارزان دیروز در برابر عظمت پوشالی رژیم غاصب صهیونیستی سر تعظیم فرود آورند و سخن از سازش بر زبان جاری سازند. این رویکرد در سایر جریان‌های مقاومت نیز موجب ضعف روحیه شده است. راهبرد مذکور بعد از پیروزی‌های مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان و همچنین پیروزی‌های متمادی مقاومت اسلامی در غزه، سبب گشت که نیروهای مقاومت با راهبرد جدید، روحیه‌ای تازه یافته و عرصه عملیاتی جدیدی برای خود در همه سرزمین‌های اشغالی تعریف نمایند.

مقابله با راهبرد از نیل تا فرات

شعار «از نیل تا فرات» به مرزهای آرمانی رژیم صهیونیستی اشاره دارد. تأسیس کشور اسرائیل بزرگ از رودخانه نیل تا رودخانه فرات یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های صهیونیسم است. صهیونیست‌ها معتقدند که یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره‌ای از رودخانه نیل تا رودخانه فرات به وجود آید و یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت نمایند، اهل نجات خواهند بود. در پرچم

این رژیم نیز ستاره داود (نماد صهیونیسم) در بین دو نوار آبی رنگ قرار دارد که گفته می‌شود این دو نوار آبی نمادی از رودهای «نیل» و «فرات» هستند. کلمه اسرائیل بزرگ نیز گاهی برای اشاره به سرزمین موعود ذکر شده در تورات به کار رفته است. مدعیان این موضوع سفر پیدایش ۱۵:۱۸ تا ۱۵:۲۱ را دلیل خود می‌دانند و از آن به عنوان وعده نیل تا فرات یاد می‌کنند.^۱ امام خمینی علیه السلام نیز با اشاره به این تفکر صهیونیستی می‌فرماید: «من کراراً تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد. گرچه اکنون جرئت اظهار صریح آن را ندارد» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۲). راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» طرحی کلان است که همه راهبرد «از نیل تا فرات» رژیم غاصب صهیونیستی را باطل می‌سازد؛ زیرا اولاً بخش مهم آن راهبرد یعنی سرزمین فلسطین را از شمول آن خارج می‌سازد، ثانیاً خواهان نابودی کامل رژیم صهیونیستی است.



۱. این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده‌ام؛ «یعنی قینان و قنزیان و قنمونیان و جتیان و قنزیان و رفائیان و آموریان و کنعانیان و جرجاشیان و یوسیان را».

خنثی‌سازی ترفندهای آینده جریان صهیونیسم و استکبار

دشمن صهیونیستی در صدد است که با ترفندهای گوناگون و توطئه‌های جدید، به آرزوی توسعه سرزمینی خود دست یابد. در گام نخست نیز لازم است که به اهداف خود در خاک فلسطین همانند اعلام بیت‌المقدس به عنوان پایتخت خود، منع ورود آوارگان فلسطین به زادگاهشان و افزایش شهرک‌سازی برسد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به «معامله قرن» اشاره نمود. هاآرتص درباره جزئیات طرح آمریکایی معامله قرن می‌گوید که خطوط کلی طرح عملاً روشن شده است.

(<https://www.haaretz.com/middle-east-news/palestinians/premium-defunding-unrwa-is-an-example-of-trump-s-peace-plan-1.6434602>).

بخش اول این طرح در خصوص افزایش ساخت شهرک‌ها، بخش دوم آن شامل به رسمیت شناختن شهر قدس به عنوان پایتخت رژیم غاصب صهیونیستی و بخش سوم آن در ارتباط با پناهندگان فلسطینی است. این طرح و طرح‌های مشابه در صورتی می‌توانند به مقصد برسند که در نگاه مقاومت اسلامی فلسطین، آرمان حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی فلسطین از دستور کار خارج گردد؛ اما اگر همه سرزمین فلسطین و تمامیت ارضی آن مورد توجه نیروهای مقاومت اسلامی باشد، این نوع طرح‌ها در همان نطفه سقط خواهند شد.



نتیجه‌گیری

صهیونیست‌ها مدعی مالکیت و بازگشت به سرزمینی هستند که اعقاب نژادی آنها، یعنی عبرانی‌ها، در حدود قرن هجده قبل از میلاد به آنجا پا گذاشتند؛ در حالی که اجداد اعراب ساکن آن سرزمین، یعنی کنعانی‌های جزیره‌العرب، حدود سه هزار سال قبل از میلاد به آنجا مهاجرت کرده و در آنجا ماندند (دوست‌محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۰). از سوی دیگر صهیونیست‌ها با شعار «از نیل تا فرات» محدوده‌ای از سرزمین جغرافیایی را بیان نمودند که خواهان تسلط بر آن هستند. این محدوده جغرافیایی شامل سرزمین‌های کرانه شرقی رود نیل تا کرانه غربی رود فرات است که همه کشورهای ساحل مدیترانه، صحرای سینا، اردن و حتی بخش‌هایی از ترکیه را شامل می‌شود؛ لذا از زمان تولد رژیم اشغالگر خود تا کنون برای رسیدن به این هدف، جنایات فراوانی مرتکب شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به جنایت قانا، صبرا و شتیلا اشاره نمود.

جمهوری اسلامی ایران نیز از روزهای آغازین پیدایش خود با توجه به اصول اسلامی که به آن‌ها اعتقاد دارد، همه آن نواحی را بخشی از سرزمین اسلام معرفی و هر گونه تعرض به آن‌ها را محکوم کرده است. در آغازین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی با اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام «روز قدس» حمایت رسمی خود را از مقاومت فلسطین اعلام نمود. طی چهل سال گذشته از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این مسیر هر روز پررنگ‌تر از قبل ادامه یافته است. در دهه چهارم تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب با اعلام رسمی راهبرد «فلسطین از نهر تا بحر» خط بطلانی بر راهبردهای جریان سازش و شعار «از نیل تا فرات» کشید و اکنون جریان مقاومت اسلامی با ادراک حقیقی این راهبرد در برابر دشمن غاصب ایستادگی می‌نماید.

فهرست منابع

القرآن الکریم

۱. احمدی، حمید (۱۳۶۹)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، مؤسسه کیهان.
۲. ایولاکست، (۱۳۶۷)، مسائل ژئوپولیتیک اسلام، دریا، آفریقا، ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام: تاریخ خلفاء، قم، دلیل ما، چاپ دهم.
۴. جهان‌بین، اسماعیل (۱۳۸۰)، «فلسطین سرزمین ناآرام تاریخ»، مریان، شماره ۲.
۵. خسروشاهی، سیده‌ادی (۱۳۷۰)، اسرائیل پایگاه امپریالیسم و حرکت‌های اسلامی در فلسطین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم.
۷. دهقانی پوده، حمیدرضا (۱۳۹۰)، تحلیلی بر مذاکرات فلسطینی-اسرائیلی: چشم‌انداز آینده، تهران، مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۸. دوست‌محمدی، احمد (۱۳۸۲)، «ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۱.
۹. رضوی، سلمان (۱۳۸۴)، «تحول در استراتژی حماس»، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۲۳.
۱۰. رودنسون، ماکسیم (بی‌تا)، اسرائیل و عرب، ترجمه ابراهیم دانایی، تهران، خوارزمی.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، شعر، چاپ بیست‌ودوم.
۱۲. سجادی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۶)، پیدایش و تداوم صهیونیسم، تهران، انتشارات نبوی.
۱۳. شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۸۸)، صهیونیسم و نقد تاریخ‌نگاری معاصر غرب، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱)، فلسطین و صهیونیسم، قم، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

۱۵. صمدی، محمدعلی (۱۳۹۳)، روی خط آتش، تهران، نشر قبله اول جمعیت دفاع از ملت فلسطین.

۱۶. علیمی حنبلی (بی‌تا)، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن، الأئس الجلیل بتاریخ القدس والخلیل، المحقق: عدنان یونس عبدالمجید نباتة، عمان، مكتبة دندیس.

۱۷. کبالی، عبدالوهاب (۱۳۶۶)، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.

۱۸. محیط طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۵۶)، «نظری به جغرافیای تاریخی: کنعان و فلسطین در گذرگاه تاریخ»، گوهر، شماره ۵۰.

۱۹. موسوی، سیدحسین (۱۳۸۸)، «بلندی های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی»، مطالعات راهبردی، شماره ۴۴.

20. Zayid, Ismail, Zionism: The Myth and the Reality, Indianpolis: American Trust Publications, 1980, P. 7.

21. <http://farsi.khamenei.ir>.

22. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/page/210/> صحیفه-امام

23. <https://www.haaretz.com/middle-east-news/palestinians/.premium-defunding-unrwa-is-an-example-of-trump-s-peace-plan-1.6434602>

24. Palestines Incredible History, www.highonadventure.com/hoa_98ug/jeruslm/history.htm P. 1.

25. <http://lib.efatwa.ir/40017/1/0>